

کتاب دانیال — شماره بیست و نهم

ضیافتِ بلشضر اور نبوتی گھڑی: سنڈے لا کی نقاب کشائی، بابل کے سقوط، اور آخری بحران

Jeff Pippenger

2023-12-24

ضیافتِ بلشضر «ساعت» شریعتِ یکشنبه را مشخص می‌سازد، اما تأکید را بر داوری شاخ جمهوری‌خواه قرار می‌دهد. تمثال زرینِ نبوکدنصر در باب سوم دانیال، همان تاریخ را در بستر قوم امین خدا قرار می‌دهد، که سپس همچون علمی برافراشته می‌شوند. باب ششم دانیال همان خط را مورد خطاب قرار می‌دهد، اما نقش شاخ پروتستان را بررسی می‌کند. بلشضر نماینده «دولت» است، و او هزار تن از «سروران» خود را فراخواند.

بلشضر پادشاه ضیافتی بزرگ برای هزار تن از بزرگان خود برپا کرد، و در حضور آن هزار تن شراب نوشید. بلشضر، در حالی که شراب می‌چشید، فرمان داد ظروف زرین و سیمینی را که پدرش نبوکدنصر از معبدی که در اورشلیم بود آورده بود، بیاورند، تا پادشاه و امیرانش و زنانش و متعه‌هایش در آنها بنوشند. آنگاه ظروف زرین را که از معبد خانه خدا که در اورشلیم بود گرفته شده بود، آوردند؛ و پادشاه و امیرانش و زنانش و متعه‌هایش در آنها نوشیدند. شراب نوشیدند و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را ستایش کردند. در همان ساعت، انگشتان دست انسانی پدیدار شد و برابر شمعدان، بر گچ دیوار کاخ پادشاه نوشت؛ و پادشاه آن بخش از دست را که می‌نوشت دید. دانیال ۵:۱-۵

شماره «ده» نمایانگر اژدهاست، و یک صد و یک هزار صرفاً بزرگ‌نمایی همان نماد است. در باب ششم، یک صد و بیست آن شریعتِ فریبده را پیش می‌رانند، و یک صد و بیست نمادی برای کاهنان است. با در نظر گرفتن «حکم بر حکم»، بزمِ بلعشضر در حال تصویر کردن داوری بر یک سیاست‌ورزی فاسد، و داوری بر یک کلیسا سالاری فاسد است. بلعشضر از شراب بابل مست بود، و سپس تصمیم گرفت ظروف مقدس هیکل خدا در اورشلیم را بی‌حرمت سازد.

نبی فرماتا، "میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے بڑی زور دار آواز سے پکار کر کہا، بڑا بابل گر گیا، گر گیا، اور شیاطین کا مسکن پِن گیا ہے" (مکاشفہ 18:1، 2)۔ یہ وہی پیغام ہے جو دوسرے فرشتے نے دیا تھا۔ بابل گر گیا ہے، "کیونکہ اُس نے اپنی زناکاری کے غضب کی مے سب قوموں کو پلائی" (مکاشفہ 14:8)۔ وہ مے کیا ہے؟—اُس کی جھوٹی تعلیمات۔ اُس نے دنیا کو چوتھے حکم کے سبت کے بدلے ایک جھوٹا سبت دیا ہے، اور اُس نے اُس جھوٹ کو دہرایا ہے جو شیطان نے عدن میں پہلے پہل حوا سے کہا تھا—یعنی روح کی فطری لافانیت۔ ایسے ہی بہت سے ہم جنس گمراہ کن عقائد اُس نے دور دور تک پھیلا دیے ہیں، "آدمیوں کے احکام کو تعلیمات ٹھہرا کر سکھاتے ہیں" (متی 15:9)۔ Selected.

Messages, book 2, 118

شرابی کہ بلعشضر می‌نوشید، سبتِ بُت‌گونه پاپیت بود، زیرا آن ضیافت نمایانگر «ساعت» نبوی قانون یکشنبه بود. ظروف مقدسی کہ او به تالار بزم آورد، نہ تنها نمایانگر طغیان بر ضد خدا بودند، بلکہ ظروف مقدس همچنین قوم خدا را نیز نمایندگی می‌کنند، زیرا امر لفظی نمایانگر امر روحانی است، و مردم ظروف‌اند.

با این همه، بنیاد خدا استوار می ماند و این مهر را دارد: «خداوند کسانی را که از آن اویند می شناسد.» و نیز: «هر که نام مسیح را بر زبان می آورد، از ناراستی کناره گیرد.» اما در خانه ای بزرگ، نه فقط ظرف های زرین و سیمین هست، بلکه ظرف های چوبین و گلین نیز هست؛ و برخی برای حرمت، و برخی برای بی حرمتی. پس اگر کسی خویشتن را از اینها پاک سازد، ظرفی برای حرمت خواهد بود، تقدیس شده و برای استفاده خداوندگار شایسته، و برای هر کار نیکو آماده. دوم تیموتائوس ۲: ۱۹-۲۱

در میان هتک حرمت قوم خدا از طریق تحمیل عبادت روز یکشنبه، دست خط آتشین، هلاکت بلشصر را رقم می زنند.

در همان ساعت، انگشتان دست انسانی پدیدار شد و بر گچ دیوار قصر پادشاه، در برابر شمعدان، نوشت؛ و پادشاه آن بخش از دست را که می نوشت دید. آنگاه چهره پادشاه دگرگون شد و اندیشه های او را مضطرب ساخت، چندان که بندهای کمرش سست گردید و زانوهای او به یکدیگر می خورد. پادشاه با صدای بلند فرمان داد تا منجمان، کلدانیان و فالگیران را بیاورند. و پادشاه خطاب به حکیمان بابل گفت: هر که این نوشته را بخواند و تعبیر آن را برای من بیان کند، جامه ارغوانی بر او پوشانده خواهد شد و زنجیری از طلا بر گردنش نهاده خواهد شد، و در مملکت، سومین فرمانروا خواهد بود. دانیال ۵: ۵-۷

از دیدگاه تاریخی، این بخش چنین فهمیده شده است که پدر بلشصر تخت سیاسی را به بلشصر واگذار کرده بود، و از این رو، بیشترین چیزی که پسرش می توانست در برابر تعبیر نوشته عرضه کند، مقامی به عنوان سومین حاکم بود. در آستانه قانون یکشنبه در ایالات متحده، رهبری سیاسی در موضعی تابع رهبری مذهبی قرار خواهد داشت؛ رهبری ای که در کار معرفی شکلی جدید از عبادت خواهد بود. صورت حیوان نمایانگر اتحاد کلیسا و دولت است، با این که کلیسا زمام این رابطه را در دست دارد، و در هنگام قانون یکشنبه، بلشصر پادشاه سیاسی بود و بدین سان نماد دولت به شمار می رفت، اما او تنها نفر دوم تحت اقتدار مذهبی پدرش بود. بهترین چیزی که او می توانست به دانیال عرضه کند این بود که نفر سوم باشد.

«هنگامی که کلیسای اولیه با دور شدن از سادگی انجیل و پذیرفتن آیین ها و رسوم بت پرستانه فاسد شد، روح و قدرت خدا را از دست داد؛ و برای آن که بر وجدان های مردم تسلط یابد، در پی حمایت قدرت دنیوی برآمد. نتیجه، پاپیت بود؛ کلیسایی که قدرت دولت را در اختیار گرفت و آن را برای پیشبرد مقاصد خویش به کار برد، به ویژه برای مجازات «بدعت». برای آن که ایالات متحده صورتی از وحش پدید آورد، قدرت دینی باید چنان بر حکومت مدنی تسلط یابد که اقتدار دولت نیز به وسیله کلیسا برای تحقق مقاصد خود به کار گرفته شود...»

«تحمیل نگاه داشت یکشنبه از سوی کلیساهای پروتستان، تحمیل پرستش پاپیت است—یعنی پرستش وحش. آنان که با درک ادعاهای فرمان چهارم، به جای سبت حقیقی، سبت کاذب را نگاه می دارند، بدین سان به همان قدرتی ادای احترام می کنند که تنها به فرمان آن، چنین چیزی مقرر شده است. اما کلیساهای درست در همان عمل تحمیل یک تکلیف دینی به وسیله قدرت مدنی، خود تصویری برای وحش پدید می آورند؛ از این رو، تحمیل نگاه داشت یکشنبه در ایالات متحده، تحمیل پرستش وحش و تصویر او خواهد بود.» نبرد عظیم، 443، 448، 449.

در بحران است که منش انسان آشکار می شود، و پیام اسرارآمیز بر دیوار در تجربه بلشصر بحرانی پدید آورد و پایان پادشاهی او را رقم زد، و بدین سان پایان پادشاهی وحش زمین را نمادپردازی کرد. بلشصر در همان شب مرد، که نمایانگر قانون یکشنبه است؛ آنگاه که ایالات متحده، به عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، در هنگام قانون یکشنبه سرنگون می شود، اما ایالات متحده بی درنگ به پادشاه برتر ده پادشاه انتقال می یابد. ده پادشاه، هفتمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس هستند، و آنان

بی‌درنگ موافقت می‌کنند که پادشاهی هفتم خود را به وحش بسپارند.

زیرا خدا در دل‌های ایشان نهاده است که اراده او را به‌جا آورند، و همراهی شوند، و پادشاهی خود را به آن وحش بسپارند، تا کلام‌های خدا به انجام رسد. مکاشفه 17:17.

حرکات نهایی، حرکاتی شتابان‌اند، و گذار از پادشاهی ششم به هفتم، و سپس به هشتم، سریع است، زیرا جهان در آن هنگام در بحرانی عظیم به سر می‌برد. سرنگونی وحش زمین‌خاسته، بلشصر را به هراس می‌افکند، و او، به‌عنوان پادشاه برتر ده پادشاه، نمایانگر هراسی است که همه پادشاهان زمین در هنگام سرنگونی ایالات متحده تجربه خواهند کرد. در مکاشفه فصل یازدهم، «ساعتی» که دست‌خط بر دیوار ظاهر می‌شود، همان «ساعت» زلزله عظیم است. در آن هنگام، سه نماد اسلام مشخص می‌شوند، و این اسلام است که در ایام آخر موجب هراس پادشاهان می‌گردد.

زیرا اینک پادشاهان گرد آمدند؛ با یکدیگر گذشتند. آن را دیدند، و پس در شگفت شدند؛ مضطرب گشتند و شتابان گریختند. ترس در آنجا ایشان را فراگرفت، و درد، همچون درد زن در حال زایمان. تو کشتی‌های ترشیش را به باد شرقی درهم می‌شکنی. چنان‌که شنیده‌ایم، همان‌گونه نیز در شهر یهوه صباوت، در شهر خدای خود، دیده‌ایم: خدا آن را تا ابد استوار خواهد ساخت. سلاه. مزمو 48:8-8.

اریابان، یا پادشاهان، در ضیافت بلشصر گرد آمده بودند، شراب بابل را می‌نوشیدند و ظروف مقدس خدا را در دست می‌گرفتند و بر آنها می‌نگریستند، آنگاه هراس ایشان را فرا گرفت؛ چنان‌که این امر در هراس بلشصر، هنگامی که نوشته بر دیوار ظاهر شد، نمود یافت. هراس بلشصر آغاز هراسی فزاینده بود که به‌وسیله زنی در حال درد زایمان به تصویر کشیده شده است؛ و «ساعت» در مکاشفه یازده به باب دوازده راه می‌برد، جایی که آن علامت به‌صورت زنی که در شرف زاییدن است نشان داده می‌شود. نخستین درد زایمان همان نوشته بر دیوار تالار ضیافت است. این هراس از «باد شرقی» اسلام ناشی می‌شود، که «کشتی‌های ترشیش را می‌شکند.»

در تالار ضیافتِ بَلْعَشَصَّر، «هزار امیر» مشغول نوشیدن شراب بابل‌اند، که نمایانگر تحمیل یکشنبه است. در آن هنگام، ارکسترِ تَبوکدنصر آغاز به نواختن موسیقی می‌کند، در حالی که بَلْعَشَصَصَّر فرمان می‌دهد زیورهای مقدس را بیاورند. فاحشه صور آغاز به سرودن می‌کند، و اسرائیل مرتد به رقصیدن گرد بت زرین تَبوکدنصر می‌پردازد. اما این بزم با «باد شرقی» درهم می‌شکند، که همان «وای سوم» است که به‌زودی می‌آید، و همان «شیپور هفتم» است. هنگامی که اسلام این بزم را بر هم می‌زند، «امت‌ها خشمگین می‌شوند.» ایشان خشمگین می‌شوند، زیرا کشتی‌های ترشیش، که نماد ساختار اقتصادی سیاره زمین است، آنگاه در میان دریا غرق می‌شوند.

ترشیش به سبب فراوانی همه‌گونه توانگری‌ها، بازرگان تو بود؛ با نقره، آهن، قلع و سرب در بازارهای تجارت می‌کردند. یاوان و توبال و ماشک، ایشان بازرگانان تو بودند؛ ایشان در بازار تو به جان‌های آدمیان و ظرف‌های برنجین تجارت می‌کردند. اهل خاندان تو جرّمه در بازارهای با اسبان و سواران و قاطران تجارت می‌کردند. مردانِ ددان بازرگانان تو بودند؛ جزایر بسیار، متاع دست تو بود؛ آنان عاج و آبنوس را به‌عنوان هدیه برای تو می‌آوردند. سوریه به سبب فراوانی مصنوعات، بازرگان تو بود؛ ایشان در بازارهای با زمرد، ارغوان، کار سوزندوزی، کتان لطیف، مرجان و عقیق دادوستد می‌کردند. یهودا و سرزمین اسرائیل، ایشان بازرگانان تو بودند؛ ایشان در بازار تو گندم، مینیت، و پنبه، و عسل، و روغن، و بلسان تجارت می‌کردند. دمشق به سبب فراوانی مصنوعات و کثرت همه‌گونه توانگری‌ها، بازرگان تو بود؛ با شراب جلیون و پشم سفید. دان نیز و یاوان رفت‌وآمدکننده در بازارهای دادوستد می‌کردند؛ آهن صیقلی، دارچین و نی خوشبو در بازار تو بود. ددان بازرگان تو بود در جامه‌های نفیس برای ارابه‌ها. عربستان و همه سروران قیدار با تو در

برہا و کوچہا و بزہا معاملہ می کردند؛ در اینہا ایشان بازرگانان تو بودند۔ بازرگانان سبا و رَعماء، ایشان بازرگانان تو بودند؛ ایشان در بازارہایت با بہترین ہمہ ادویہہا، و با ہرگونہ سنگہای گران بہا، و طلا دادوستد می کردند۔ حران و کتہ و عدن، بازرگانان سبا، آشور و کلمد، بازرگانان تو بودند۔ اینان بازرگانان تو بودند در ہرگونہ کالا، در جامہ ہای لاجوردی و سوزندوزی، و در صندوق ہای جامہ ہای فاخر کہ با ریسمان ہا بستہ و از چوبِ سدر ساختہ شدہ بود، در میان امتعہات۔ کشتی ہای ترشیش در بازار تو از تو ترتم می کردند؛ و تو در میان دریاہا مملو شدی و بہ غایت باشکوہ گشتی۔ پاروزنانت تو را بہ آب ہای عظیم درآوردند؛ بادِ شرقی تو را در میان دریاہا درہم شکست۔ توانگری ہایت، و بازارہایت، و امتعہات، و ملاحانت، و ناخدایانت، و مرمت کنندگان، و بازرگانان امتعہات، و ہمہ مردان جنگی تو کہ در تو ہستند، و تمامی جماعتی کہ در میان تو ہستند، در روزِ ہلاکت بہ میان دریاہا فرو خواہند افتاد۔ حزقیال 26-27:12۔

«کشتی ہای ترشیش» نمادِ ساختارِ اقتصادیِ سیارۂ زمین اند، و بہ وسیلہٗ «بادِ شرقی» در میانہٗ دریا غرق می شوند۔ حزقیال ما را آگاہ می سازد کہ این امر در «روزِ ہلاکتِ تو» واقع می شود، و موضوع باب بیست و ہفتم حزقیال، مرثیہ ای برای صور است۔

پھر مجھ پر خداوند کا کلام نازل ہوا کہ، آے ابن آدم، صور کے لیے نوحہ کر؛ اور صور سے کہہ، آے تو جو سمندر کے دہانے پر واقع ہے، اور بہت سے جزائر کے لوگوں کی سودا گری، یوں فرماتا ہے خداوند خدا: آے صور، تونے کہا ہے، میں کامل حسن کی مالک ہوں۔ حزقی ایل 27:1-3۔

روز خرابی صور موضوع این مرثیہ است۔ روز خرابی صور همان قانون یکشنبہ است، زیرا صور نمادی از پاپیت است؛ حکمی کہ بر آن جاری می شود در آن «ساعت» آغاز می گردد کہ ندای دوم مکاشفہ ہجدہ شروع می کند مردم را از بابل فراخواند۔

اور میں نے آسمان سے ایک اور آواز سنی، جو کہہ رہی تھی: اے میری قوم، اُس میں سے نکل آؤ، تاکہ تم اُس کے گناہوں میں شریک نہ ہو، اور اُس کی آفتوں میں سے کچھ تم پر نہ آئے۔ کیونکہ اُس کے گناہ آسمان تک پہنچ گئے ہیں، اور خدا نے اُس کی بدکرداریوں کو یاد کیا ہے۔ اُس کو ویسا ہی بدلہ دو جیسا اُس نے تمہیں دیا، اور اُس کے اعمال کے مطابق اُسے دگنا بلکہ دگنا دو؛ جس پیالے میں اُس نے بھرا، اُسی میں اُس کے لیے دگنا بھر دو۔ جس قدر اُس نے اپنے آپ کو جلال دیا اور عیش و عشرت میں زندگی بسر کی، اُسی قدر اُسے عذاب اور ماتم دو؛ کیونکہ وہ اپنے دل میں کہتی ہے: میں ملکہ بن کر بیٹھی ہوں، بیوہ نہیں ہوں، اور ہرگز غم نہ دیکھوں گی۔ اِس لیے اُس کی آفتیں ایک ہی دن میں آ پڑیں گی: موت، اور ماتم، اور قحط؛ اور وہ آگ میں بالکل جلائی جائے گی، کیونکہ وہ خداوند خدا جو اُس کی عدالت کرتا ہے، زور آورے۔ اور زمین کے بادشاہ، جنہوں نے اُس کے ساتھ حرام کاری کی اور عیش و عشرت سے رہے، جب اُس کے جلنے کا دھواں دیکھیں گے تو اُس پر روئیں گے اور نوحہ کریں گے، اور اُس کے عذاب کے خوف سے دور کھڑے ہو کر کہیں گے: ہائے، ہائے، اے بابل، اے عظیم شہر، اے زبردست شہر! کیونکہ ایک ہی گھڑی میں تیری سزا آ پہنچی۔ اور زمین کے سوداگر اُس پر روئیں گے اور ماتم کریں گے، کیونکہ اب کوئی اُن کا مال تجارت نہیں خریدتا۔ مکاشفہ 18:4-11۔

لفظی کہ در کتاب دانیال پنج بار بہ صورت «ساعت» بہ کار رفتہ است، ہموارہ نمایانگر نوعی داوری است۔ نوع این داوری از بافتِ عبارتی کہ در آن بہ کار رفتہ تعیین می شود۔ در باب چہارم دانیال، واژہ «ساعت» نخست برای اعلام فرارسیدن داوری بہ کار رفتہ است، خواہ داوری تحقیقی ای باشد کہ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد، یا داوری اجرایی ای کہ با قانون یکشنبہ آغاز می شود۔ در ہر دو مورد، داوری تحقیقی یا اجرایی تدریجی است۔ داوری اجرایی پاپیت با قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ آغاز می شود۔ این، همان «ساعت»ی را نشان می دہد کہ داوری اجرایی پاپیت آغاز می گردد، و آن «ساعت» همان «ساعت» زلزلہ عظیم مکاشفہ یازدہ است، ہنگامی کہ اُن دو شاہد، کہ بہ وسیلہ شدِ رک، میشک و عابدنغو نمایانہ شدہ اند، بہ عنوان اُن درفشی کہ برافراشتہ می شود، چونان لشکر عظیم حزقیال، در

کوره افکنده می‌شوند. آن «ساعت» هنگامی است که نوشته بر دیوار بلشصر پدیدار می‌شود.

«کشتی‌های ترشیش» که نمایانگر ساختار خطوط تدارکات اقتصادی سیاره زمین هستند، در آن زمان در میان دریاها غرق می‌شوند، و این امر باعث می‌شود بازرگانان و پادشاهان زمین، چنان که در بلشصر بازنموده شده است، به هراس افتند.

در مکاشفہ یازدهم، «ساعت» زمانی است که «وای» سوم اسلام به سرعت فرامی‌رسد، و شیپور هفتم به صدا درمی‌آید، و امت‌ها به خشم می‌آیند. هر سه آن نمادها به اسلام اشاره دارند، به عنوان ابزار مشیت‌آمیزی که خداوند برای به انجام رساندن هلاکت بلشصر در همان «ساعت» به کار می‌برد. بلشصر به دست دشمنانی کشته شد که پنهانی از راه دروازه‌هایی که از سر بی‌مبالاتی باز گذاشته شده بود، به قلمرو او درآمده بودند؛ همان‌گونه که دیوار مرزی میان مکزیک و ایالات متحده نیز از سر بی‌مبالاتی باز گذاشته شده است، در حالی که «ساعت» «زلزله عظیم» نزدیک می‌شود.

شفای زخم مهلک پاپیت در شش آیه پایانی فصل یازدهم دانیال بیان شده است. در آن آیات، سه مانع شناسایی می‌شود که هم‌زمان با شفا زخم مهلک پاپیت از میان برداشته می‌شوند. پادشاه شمال در مسیر دستیابی به قدرت برتر، همواره سه مانع را مغلوب می‌سازد، و این امر همیشه به این ترتیب رخ می‌دهد: نخست دشمن او، دوم هم‌پیمان او، و سرانجام قربانی او. نخستین مغلوب شده پادشاه جنوب بود که نمایانگر اتحاد جماهیر شوروی، آخرین دشمن روم، است؛ همان که در سال 1989 از صحنه برچیده شد. دومین مانع، سرزمین جلال است، یعنی هم‌پیمان روم که برای روم اتحاد جماهیر شوروی را مغلوب ساخت، یعنی ایالات متحده، که در همان «ساعت»ی که اکنون در نظر داریم مغلوب می‌شود. پس از آن، سومین مانع که به صورت مصر به تصویر کشیده شده است، نمایانگر زمانی است که پاپیت کنترل قربانی خود، یعنی سازمان ملل متحد، را به دست می‌گیرد.

در سال ۱۹۸۹، هنگامی که گشوده شدن مهر آن آیات واقع شد و پس از آن معرفت مربوط به آن آیات افزایش یافت، این امر شناخته شد که روم بت‌پرست، روم پاپی، و سپس روم جدید - که در شش آیه آخر باب یازدهم دانیال به عنوان پادشاه شمال معرفی شده است - هر یک پیش از آن که به صورت یک پادشاهی استقرار یابند، می‌بایست بر سه مانع جغرافیایی غلبه کنند. برای روم بت‌پرست، آن سه مانع به صورت سه جهت به تصویر کشیده شده بودند.

و از یکی از آنها شاخکی کوچک برآمد، که به غایت عظیم شد، به سوی جنوب و به سوی مشرق و به سوی سرزمین خوش‌منظر. دانیال ۸:۹.

برای روم پاپی، آنان سه شاخه بودند که می‌بایست از ریشه برکنده شوند.

میں اُن سینگوں پر غور کر ہی رہا تھا کہ دیکھو، اُن کے درمیان ایک اور چھوٹا سا سینگ نمودار ہوا، جس کے آگے پہلے سینگوں میں سے تین جڑ سے اکھاڑ دیے گئے؛ اور دیکھو، اُس سینگ میں انسان کی آنکھوں جیسی آنکھیں تھیں، اور ایک منہ تھا جو بڑی بڑی باتیں کرتا تھا۔ دانی ایل 7:8.

برای روم مدرن (پادشاه شمال)، که در شش آیه پایانی دانیال یازده به تصویر کشیده شده است، سه مانع وجود داشت: پادشاه جنوب، سرزمین جلال، و مصر. همان‌گونه که در مورد روم بت‌پرست و روم پاپی نیز چنین بود، این سه مانع، موانع جغرافیایی را نمایندگی می‌کردند. روم مدرن، که در شش آیه پایانی دانیال یازده به عنوان پادشاه شمال معرفی شده است، می‌بایست بر سه «دیوار» غلبه کند، و همراه با دیوار نخست، یک «دیوار» فلسفی نیز وجود داشت که هم‌زمان با برداشته شدن یک دیوار واقعی، از میان برداشته شد. در سال ۱۹۸۹، هنگامی که پادشاه شمال اتحاد جماهیر شوروی (پادشاه جنوب) را فرو افکند، «دیوار» فلسفی «پرده آهنین» نیز، هم‌زمان با برچیده شدن دیوار برلین، از میان برداشته شد.

در «ساعت» داوری بلشصر، هنگامی که نوشته بر دیوار پدیدار است و دشمنانش پنهانی از دروازه‌های بی‌نگهبان وارد می‌شوند، «دیوار» فلسفی جدایی کلیسا و دولت برداشته می‌شود، حال آنکه اسلام وای سوم پنهانی از طریق «دیوار» بی‌پاسدار مرز جنوبی سرزمین جلال داخل شده است.

هنگامی که «مصر» - که نمایانگر سازمان ملل متحد است - مغلوب گردد، و «دیوار فلسفی حاکمیت ملی» برداشته شود، آنگاه که هر ملت مجبور شود حکومت واحد جهانی را که از سوی فاحشه‌صور هدایت می‌شود بپذیرد، در آن زمان فروپاشی مالی‌ای رخ خواهد داد که حکومت نظامی و استبداد ایام آخر را پدید می‌آورد. بسیار محتمل است که چیزی در خیابانی که «وال استریت» نامیده می‌شود به وقوع پیوندد.

همان وسایلی که اکنون با بخل و اندک‌مایگی در راه خدا صرف می‌شود و به‌گونه‌ای خودخواهانه نگاه داشته می‌شود، دیری نخواهد پایید که همراه با همهٔ بت‌ها نزد موش‌کورها و خفاش‌ها افکنده خواهد شد. ارزش پول به‌زودی و به‌طرزی بسیار ناگهانی سقوط خواهد کرد، هنگامی که واقعیت صحنه‌های ابدی بر حواس انسان گشوده شود. Welfare Ministry, 266.

ما در مقالهٔ بعدی به مطالعهٔ خود دربارهٔ بلشصر ادامه می‌دهیم.

«امروز، همان‌گونه که در ایام ایلیا بود، خط تمایز میان قوم نگاه‌دارندهٔ احکام خدا و پرستندگان خدایان باطل به‌روشنی ترسیم شده است. ایلیا ندا درداد: «تا به کی میان دو عقیدهٔ مردد خواهید بود؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، پس از او پیروی کنید.» ۱ پادشاهان ۱۸:۲۱. و پیام امروز این است: «بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است... از او بیرون آید، ای قوم من، مبادا در گناهانش شریک شوید، و مبادا از بلاهایش نصیبی یابید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است.» مکاشفه ۱۸:۲، ۴، ۵.

«هغه وخت لهرې نه دی چې ازموینه به پر هر نفس راشي. د دروغجن سبت مراعت به پر مور ټین‌گار سره وتپل شي. شخړه به د خدای د حکمونو او د انسانانو د حکمونو ترمنځ وي. هغه کسان چې گام په گام یې د نړۍ غوښتنو ته غاړه ایښې او د نړۍ له رواجونو سره یې ځان عیار کړی دی، نو په هغه وخت کې به د سپکاوي، توهین، د بندگوانش او مرګ د منلو پر ځای حاکمو ځواکونو ته تسلیم شي. په هغه وخت کې به سره زر له خپرې څخه جلا شي. رښتینې دینداري به په څرګند ډول د هغې له ظاهري بڼې او ځلا څخه بېله وپېژندل شي. ډېر هغه ستوري چې مور یې د خپل ځلا له امله ستایلي دي، نو په هغه وخت کې به د تیاري په منځ کې مړه شي. هغه کسان چې د مقدس ځای زیورونه یې پر ځان اچولي دي، خو د مسیح په عدالت نه دي پوښل شوي، نو په هغه وخت کې به د خپلې لوڅۍ په شرم کې راڅرګند شي.» Prophets and Kings, 187, 188